

قتل جوان لنگر خواستگار

خاطره

او داریم. لطفا با ما به آگاهی بیایید.»
با شنیدن این حرف، رسول نزدیک بود روی زمین بیفتد و دیگر تلاش نکرد ترس را از چهره اش پنهان کند. رسول را به اداره آگاهی منتقل و تحقیقات از او را آغاز کردیم. رسول هر بار سعی می کرد ما را مجاب کند از آنچه برای برادرزاده اش اتفاق افتاده بی خبر است و حال و روز خرابش هم به خاطر مرگ برادرزاده اش بوده است.

اعتراف به جنایت

از رسول پرسیدم: روزی که شایان ناپدید شد کجا بودی؟

مرد میانسال گرچه سعی می کرد با داستان سازی، برای خود شاهد بسازد اما در نهایت وقتی دید دلایل او مورد قبول ما قرار نمی گیرد، راز جنایت را برملا کرد: «شایان عاشق دخترم شده بود و اصرار داشت با او ازدواج کند. اما من با این وصلت مخالف بودم. فکر نکند چون از او خوشم نمی آمد، مخالفت می کردم. مخالفتم علت داشت. اول این که او کار درست و حسابی نداشت و آن طور که خودش و پدرش می گفتند، سرمایه و دارایی هم نداشت که بخواهد با آن زندگی مستقل تشکیل دهد و دست دخترم را بگیرد و به خانه اش ببرد. او در یک مغازه شاگردی می کرد، چطور می توانست هزینه زندگی دختر مرا تامین کند. دخترم در ناز و نعمت بزرگ شده بود و من اجازه نمی دادم در خانه شایان سختی بکشد.»
او ادامه داد: «از طرفی شایان مدرک تحصیلی نداشت و تا دوم دبیرستان بیشتر درس نخونده بود. این چند کلاس سواد را هم به زور پدرش داشت اما دخترم تحصیل کرده دانشگاه بود. من چطور می توانستم به عنوان پدر اجازه دهم دخترم با یک بی سواد ازدواج کند. تمام اینها باعث شده بود با ازدواج شایان و دخترم مخالفت کنم اما او دست بردار نبود و من باید به این اصرارها پایان می دادم.»
به او گفتم: «به همین دلیل او را به قتل رساندی؟ به نظرت این دلیل منطقی است؟»

مرد میانسال گفت: «خیلی تلاش کردم شایان دست از سر دخترم بردارد اما او گوشش به این حرف ها بدهکار نبود. به برادرم گفتم با شایان صحبت کند اما به جای این که با پسرش حرف بزند به من گفت عقد دخترعمو و پسرعمو را در آسمان ها بسته اند. شایان که از من به نتیجه نرسید، سراغ دخترم رفت و در مسیر دانشگاه راهش را سد و برایش ایجاد مزاحمت کرده بود. ماجرای عاشقی شایان را همه شهر فهمیده بودند و آبروی دخترم رفته بود. باید کاری می کردم او سر جایش بنشیند. موضوع را به یکی از دوستانم به نام کامران گفتم و پس از همفکری، قرار گذاشتم و برادرزاده ام را به باغی در خارج از شهر کشاندم. شایان وقتی در باغ مقابل ایستاد، از او خواستم ماجرای عاشقی اش را تمام کند. اما او حرف های قبلی را تکرار می کرد و مدعی بود دخترم را می تواند خوشبخت کند. نمی دانم چی شد که از شدت عصبانیت با چاقویی که به همراه داشتم، به او چند ضربه زدم. آن قدر خشمگین بودم که کامران و پسر جوانی که همراهش بودند، موفق نشدند دست مرا بگیرند. بعد از جنایت به فکر راه حلی برای مخفی کردن راز قتل افتادم و جسد را پس از آتش زدن به محل دیگری منتقل کردم. در تمام این روزها با خودم فکر می کنم جواب برادرم را چه بدهم.»

با اعتراف رسول به قتل برادرزاده اش، او روانه زندان شد و این پرونده هم به نتیجه رسید.

رازگشایی از ماجرای

قتل پسر جوانی که قربانی

عشق به دخترعمویش شده بود، خاطره

یکی از کارآگاهان پلیس آگاهی است

به محض گزارش کشف جسد سوخته به ما، راهی محل شدیم. گرچه صورت جسد سوخته شده بود اما می شد حدس زد متعلق به پسر جوان است. متخصصان پزشکی قانونی علت مرگ را ضربات متعدد چاقو اعلام کردند. در محل کشف جسد آثاری از سوختگی و درگیری خونین نبود و این موضوع به ما نشان می داد قتل در محل دیگری رخ داده و عامل جنایت جسد را به آنجا منتقل کرده است. بعد برای این که هویت جسد مشخص نشود، جنازه به آتش کشیده شده بود.

هویت برای جسد

جنازه مجهول الهویه برای شناسایی به پزشکی قانونی منتقل شد. از سویی با این احتمال که خانواده مقتول، ناپدید شدن فرزندشان را گزارش کرده باشند، سراغ پرونده افراد فقدانی رفتیم. دو روز بعد از کشف جسد با پرونده شایان مواجه شدیم. خانواده اش بعد از دو روز بی خبری، ناپدید شدن فرزندشان را اعلام کرده بودند.

مشخصات شایان با مشخصات جسد کشف شده شباهت زیادی داشت و احتمال دادیم جسد کشف شده متعلق به پسر ناپدید شده باشد. زمانی که خانواده شایان به پزشکی قانونی مراجعه کردند، هویت مقتول شناسایی شد.

عشق نافرجام

شایان، پسر معقول و موجهی بود و رابطه اش با خانواده نیز خوب بود. اما موضوعی که ذهن ما را به خود جلب کرد این بود که او عاشق دخترعمویش نوشین بود. او چند بار نوشین را از عمویش خواستگاری کرده بود اما هر بار با پاسخ تند و منفی او مواجه شده بود. رسول، عمو شایان مردی بود که سابقه کیفری دعوا و درگیری در پرونده اش داشت. رسول تنها کسی بود که با مقتول اختلاف داشت و با توجه به سوابقش، می توانست این جنایت را رقم زده باشد.

دستگیری پس از مراسم هفتم

مراسم هفتم شایان که تمام شد، سراغ رسول رفتیم اما در خانه نبود. با این که همسرش مدعی بود از او خبری ندارد، اما از صحبت های او مشخص بود واقعیت را نمی گوید. به همین دلیل به صورت نامحسوس خانه رسول را زیر نظر گرفتیم. در نهایت پس از چند روز مراقبت نامحسوس، رسول زمانی که قصد داشت مخفیانه وارد خانه اش شود، بازداشت شد.

رسول با دیدن ما شروع به داد و فریاد کرد: «من بی گناهم و چرا مرا بازداشت می کنید. من کاری نکردم. هر کاری هم بوده مجازاتش را کشیده و آزاد شده ام. دیگر هم دور خلاف را خط کشیده ام.»
به رسول نگاهی کردم و از او خواستم آرام بگیرد. گرچه مرد میانسال به نظر خونسرد و حق به جناب بود اما با چشم می شد لرزش بدنش از روی ترس و رنگ پریده اش را دید. به او گفتم: «ما به خاطر برادرزاده تان اینجا هستیم. چند سؤال درباره

یادداشت

تشریح

۳ | ویژه نامه حوادث | روزنامه جام جم

چهارشنبه ۲۱ دی ۱۴۰۱ | شماره ۱۰۰۲

مجرمانی با هوش بالا

از بین ۷۵ مصداق مجرمانه ای که در قانون جرایم سایبری مصوب سال ۸۷ تعریف شده،

سرنگ
مصطفی نوروزی
رئیس مرکز مبارزه با
جرایم مالی پلیس فتا

مصادیقی مانند نشر اکاذیب و مزاحمت های اینترنتی از جمله جرایم سایبری است که بیشترین پرونده های پلیس فتا را به خود اختصاص داده است. یکی از مسائلی که مجرمین امروزه از آن سوءاستفاده می کنند، بحث ارسال لینک های آلوده در قالب پیامک است که کاربران با کلیک بر روی لینک و دادن اطلاعات بانکی خود، فرصت سوءاستفاده و کلاهبرداری را به کلاهبرداران می دهند. کلاهبرداران همچنین با ارسال پیامک هایی حاوی پیام تهدید به قطع خدمات، تلاش می کنند برای کاربران ایجاد استرس، اضطراب و نگرانی کنند تا تفکر صبورانه را از آنها سلب کرده و فرد را تشویق به کلیک کردن بر روی لینک کنند و در فرآیند بعدی، دسترسی به گوشی و اطلاعات کارت بانکی آنها را پیدا کنند.



براساس قوانین، ارسال پیامک های ابلاغیه از سوی سازمان ها و ادارات، باید از طریق سرشماره صورت بگیرد و به هیچ عنوان حق ندارند از شماره شخصی ابلاغیه قانونی را ارسال کنند. دریافت پیامک از شماره شخصی قطعاً کلاهبرداری است و نصب هر برنامه ای به واسطه کلیک بر روی لینک های ارسالی، زمینه کلاهبرداری را فراهم می کند. مردم برای این که دامنه آسیب دیدگی و ضرر مالی خود را در صورت گرفتار شدن در دام کلاهبرداران کاهش دهند، باید در کارت خرید روزانه خود مبلغ جزئی پول داشته باشند.

برخی از مجرمینی که در حوزه سایبر کار می کنند، مجرمین باهوش و درواقع مجرمین بقیه سفیدی هستند که ضریب هوشی بالایی دارند و فرد را از طریق مهندسی اجتماعی در حالت استرس و اضطراب قرار می دهند. البته ماموران پلیس نیز همواره یک قدم از آنها جلوتر هستند. قریب به ۳۶ درصد جرایم سایبری، مربوط به کلاهبرداری های رایانه ای است. ۲۲ درصد پرونده های سایبری نیز مرتبط با حوزه برداشت های غیرمجاز بوده و از طریق فیشینگ و اسکیم اتفاق می افتد. کاربران در صورت مشاهده موارد مشکوک، می توانند موضوع را از طریق سایت پلیس فتا، بخش گزارشات مردمی یا از طریق ارتباط برخط سامانه ۹۶۳۸۰ مرکز فوریت های سایبری پلیس فتا اطلاع دهند.